موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

جمع بندی مباحث قبل درباره ضرورت و عمومیت نبوت

در گفتار قبل این مطلب مطرح شد که درباره عمومیت نبوت و پیامبری، در کتاب مسیر پیامبری تفسیری ارائه شده که پیامبری را امری عام و فراگیر نمی داند و وجه آن را این دانسته که حقیقت نبوت، گزینش بشری و نه گزینش الهی است.

قبل از بررسی این دیدگاه جمع بندی از مباحث گذشته بیان می شود:

1. هدایت تشریعی الهی به مقتضای ربوبیت عالمانه و حکیمانه الهی، واجب و ضروری است. خدای متعال که رب العالمین است در کنار هدایت تکوینی که برای همه موجودات دارد، هدایت تشریعی برای انسان ها که از قوه نطق و عقلانیت برخوردار هستند دارد.

2. در نظام هدایت تشریعی الهی در مرحله اول، نبوت و پیامبری گزینه ای بی بدیل است. عقل انسان برای شناخت کامل راه هدایت کافی نیست و خدای متعال از راه دیگری این هدایت را برای بشر محقق می دارد و آن راه پیامبری و نبوت است.

3. برهان ضرورت نبوت، عمومیت نبوت را نیز اثبات می کند، زیرا ملاک نیازمندی به پیامبر که از سویی نیاز انسان و از سوی دیگر لطف و حکم الهی است عمومیت دارد.

4. وقتی برنامه هدایت الهی از طریق نبوت صورت گرفت، استمرار آن منحصر به نبی نیست و می تواند توسط غیر ایشان که همان امام و نائب است، صورت گیرد. بنابراین می توان فرض کرد که در مقطع هایی از تاریخ، پیامبری مبعوث نشده است اما حجت الهی وجود داشته است. این دوران ها را دوران فترت گویند و این دوران ها ناقض عمومیت نبوت نیست. به همین خاطر است که در روایات قاعده ضرورت وجود حجت در میان بشر از آغاز تا روز قیامت مطرح شده است.

5. ابلاغ پیام های الهی توسط پیامبران و دریافت آنها توسط مردم گاه بدون واسطه و گاه با واسطه انجام شده است، و لذا بی واسطه بودن ضررورت ندارد. همان طور که در نظام تکوینی الهی، نظام اسباب و مسببات در کار است، در نظام تشریعی الهی نیز نظام اسباب و مسببات وجود دارد، و این خود مقتضای حکمت الهی است. این مطلب با اصل ضرورت هدایت تکوینی و تشریعی الهی نیز منافاتی ندارد.

مقصود از عمومیت پیامبری، حضور شخص پیامبر در همه جوامع و اقوامی که او برای هدایت آنها مبعوث شده نیست، بلکه مراد این است که پیام های آن پیامبر به بقیه هم برسد و آنان نیز مخاطبان این پیام ها باشند.

در سیره عقلایی بشر نیز همین گونه است که مهم رسیدن دستورات و برنامه ها است نه اینکه تنها چهره به چهره آن دستورات ابلاغ شود.

6. در ابلاغ پیام های الهی به بشر، قانون تدریج نیز دخالت داشته است به این معنا که برنامه هدایت الهی بر اساس شرایط و عوامل به صورت تدریجی به مردم ابلاغ می شده است. همان گونه که پیامبر اکرم (ص) ابتدا تا سه سال مامور به تبلیغ مخفیانه و بعد تبلیغ خویشاوندان خویش و بعد تبلیغ ام القری بودند. بعد از آن بود که از طریق پیک ها و نامه هایی، سایر مردم بلاد را به دین دعوت کردند.

7. از آنجا که پذیرش ایمان و دعوت انبیاء وابسته به اختیار و اراده انسان است، عوامل اغوا گر و اضلال گر و نیز شیطان می تواند در این امر دخالت کند و جلوی پذیرش این دعوت را بگیرند. بنابراین اگر در تاریخ به جامعه ای برخورد کنیم که مشرک بوده اند، دلیل بر نرسیدن پیام وحی به آنها نبوده است، زیرا می تواند پیام به آنها رسیده باشد اما آنها از پذیرش آن سرباز زده باشند، و یا ممکن است شرایط محیا بوده اما موانعی مانع این امر شده است.

تفسیر نویسنده کتاب مسیر پیامبری

وی از آنجا که در برخی مکان ها و زمان ها گزارشی از وجود پیامبر نبوده، نتیجه گرفته که نبوت در میان آنها نبوده است و این امر را دلیل بر عدم گزینش الهی در مساله نبوت دانسته است. وی می گوید: نبوت گزینش انسانی است و این نبی بوده که به جستجوی خداوند پرداخته و به شناخت و معرفت نسبت به او دست یافته است. سپس در او احساس ماموریت هدایت مردم و رهبری آنان شکل گرفته است، نه اینکه حقیقتا ماموریتی از سوی خداوند دریافت کرده باشد. هر جا که شرایط اعلان این ماموریتی که پیامبر احساس کرده، فراهم بوده، پیامبر اقدام کرده و به تشکیل دین پرداخته است و هر جا این شرایط فراهم نبوده است، ابلاغی نیز صورت نگرفته است.

بنابراین پاسخ به اینکه چرا در همه زمان ها و مکان ها پیامبری نبوده است را باید نبود شرایط و عوامل ابلاغ پیامبری دانست. وی در ادامه گفته است: در مطالعه اقوام و ملل می بینیم که در همه جا دین هست اما در برخی از آنها گزارشی درباره نبوت به آن معنایی که در دیدگاه رایج مطرح است وجود ندارد. این نشان می دهد که چون مساله دین با نبوت ملازمه دارد، در این جوامع مساله نبوت و دین مطرح بوده است، اما نه نبوتی که از سنخ گزینش الهی باشد.[[1]](#footnote-1)

نقد این مساله در جلسه آینده انشاءالله بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. مسیر پیامبری، ص 105 [↑](#footnote-ref-1)